بسم‌الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[مفهوم‌شناسی غیبت 2](#_Toc429506635)

[مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت 2](#_Toc429506636)

[مرور گذشته 2](#_Toc429506637)

[بررسی طایفه چهارم روایت 2](#_Toc429506638)

[روایت اول 2](#_Toc429506639)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 2](#_Toc429506640)

[روایت دوم: 3](#_Toc429506641)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 3](#_Toc429506642)

[روایت سوم: 3](#_Toc429506643)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 4](#_Toc429506644)

[روایت چهارم: 4](#_Toc429506645)

[روایت پنجم: 4](#_Toc429506646)

[روایت ششم 5](#_Toc429506647)

[روایت هفتم: 5](#_Toc429506648)

[روایت هشتم: 5](#_Toc429506649)

[روایت نهم 6](#_Toc429506650)

[جمع‌بندی 6](#_Toc429506651)

[راه‌حل‌هایی برای کنار گذاشتن اطلاق 6](#_Toc429506652)

[نتیجه‌گیری 7](#_Toc429506653)

# مفهوم‌شناسی غیبت

# مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت

# مرور گذشته

بحث در مبحث نهم بود. طوایف پنج‌گانه را نیز بررسی کردیم. ما بحث‌ها ابتدا طایفه اول بعد طایفه ثانیه را بررسی کردیم. همچنین طایفه سوم را مورد بررسی قرار دادیم. در طایفه سوم تعبیر مسلم یا چیزی شبیه مسلم آمده بود. در مقابل هم وجوهی را عرض کردیم که اطلاق وجود ندارد. در بررسی این طایفه متوجه شدیم که حرمت غیبت شامل همه‌ی فرق مسلمین می‌شود. البته ناصبی مشمول دلیل نمی‌شوند.

# بررسی طایفه چهارم روایت

طایفه چهارم، روایاتی است که دایره‌ی بحث را از مسلم فراتر می‌داند. عناوینی که در این طایفه وارد شده بود «ناس» و «رجل» بود. اگر ظاهر کلمات را بخواهیم در نظر بگیریم،‌اعم از مسلم و غیرمسلم است. در این طایفه روایاتی وارد شده بود که به صورت خلاصه مرور می‌کنم.

## روایت اول

**«وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: إِيَّاكُمْ وَ الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ مَنْ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ.»[[1]](#footnote-1)**

در ابتدا نهی از غیبت کردند، در ذیل می‌فرمایند: **«لُحُومَ النّاس»**

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت مرسله است و قابل مناقشه است. از لحاظ دلالت نیز تعابیر «**لُحُومَ النَّاسِ»** ناظر به آیه شریفه است. آیه نیز در مورد مؤمن است. در نتیجه می‌توانیم بگوییم اطلاقی در آیه نیست. چون این تعبیری است که از قرآن گرفته شده است، این حدیث باید در ذیل آیه تعریف بشود. وقتی در ذیل آیه تعریف می‌شود، انعقاد اطلاق از این بعید است. آیه قطعاً شامل غیرمسلم نیست.

حتی این روایت لحن مفسریت ندارد. امام سجاد (ع) در مقام موعظه دیگران، موعظه‌ی قرآن را بیان می‌کند. حتی اگر این احتمال هم باشد، از حالت مفسریت بیرون می‌رود.

## روایت دوم:

روایت نهم مستدرک است. این روایت نیز از لحاظ سند مشکل دارد.

**«وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ع ابْنِهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ نَزِّه‏** **سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَى أَخْبَثِ مَا فِي وِعَائِهِ فَأَفْرَغَهُ فِي وِعَائِكَ.»[[2]](#footnote-2)**

امام علی (ع) دیدند که در نزدیکی امام حسن (ع) کسانی غیبت می‌کنند. امام علی (ع) به امام حسن (ع) فرمودند: گوشت را از شنیدن این غیبت مصون بدار. خبیث‌ترین چیزی که در باطن او است به باطن شما می‌ریزد. استماع غیبت به این شکل است.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت می‌گوید:‌ «**رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا».** این مطلق است. جواب این اطلاق این است که در اینجا قضیه شخصیه است و به اطلاق آن نمی‌توانیم تمسک کنیم. این قضیه حقیقیه نیست. شاید آن رجل مسلم بوده است. در جواب نیز حضرت می‌فرمایند «**نَزِّه‏** **سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا»**. امام (ع) در مقام حقیقیه هستند. شاید آن مورد مسلم بوده است و نمی‌توانیم بگوییم که این سخن اطلاق غیرمسلم را دارد.

## روایت سوم:

روایت پانزدهم همین باب است. این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

**«ابْنَا بِسْطَامَ فِي طِبِّ الْأَئِمَّةِ، ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيٌّ ابْنُ أَخِي يَعْقُوبَ عَنْ دَاوُدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ قَوْماً مِنْ عُلَمَاءِ الْعَامَّةِ يَرْوُونَ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّحَّامِينَ وَ يَمْقُتُ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِي يُؤْكَلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ اللَّحْمُ فَقَالَ ع غَلِطُوا غَلَطاً بَيِّناً إِنَّمَا قَالَ رَسُولُ اللَّه‏ ص إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتٍ يَأْكُلُونَ فِي بُيُوتِهِمْ لَحْمَ النَّاسِ أَيْ يَغْتَابُونَهُمْ مَا لَهُمْ لَا يَرْحَمُهُمُ اللَّهُ عَمَدُوا إِلَى الْكَلَامِ فَحَرَّفُوهُ بِكَثْرَةِ رِوَايَتِهِمْ.»[[3]](#footnote-3)**

آقای سکونی می‌گوید که عامه می‌گویند، پیامبر (ص) فرموده است، کسانی که هر روز گوشت می‌خورند مورد لعن هستند. حضرت می‌فرمایند: این اشتباه است. پیامبر (ص) فرمودند: منظور خوردن گوشت انسان است و مقصود همان غیبت است.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نیز **«الناس» آمده** است. این روایت نیز ناظر به آیه است. اگر ما مفسر نگیریم، آیه قرینه می‌شود که منظور از ناس، مؤمن است.

## روایت چهارم:

روایت بیست و دوم است.

**«وَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي عَلَى قَوْمٍ يَخْمِشُونَ وُجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَ يَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.»[[4]](#footnote-4)**

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

## روایت پنجم:

روایت بیست و ششم است.

**«وَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي مَسِيرٍ فَأَتَى عَلَى قَبْرَيْنِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُمَا فَقَالَ إِنَّهُمَا لَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرَةٍ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَغْتَابُ النَّاسَ الْخَبَرَ.»[[5]](#footnote-5)**

این روایت نیز ضعیف است. دلالت در اینجا نیز مشکلی دارد. زیرا قضیه شخصیه است. قاعدتاً در قبرستان مسلمان‌ها بوده است. حتی اگر شک بکنیم کافی است.

## روایت ششم

روایت بیست و هشتم است.

**«وَ رُوِيَ: أَنَّ النَّاسَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ص كَانُوا لَا يَرَوْنَ الْعِبَادَةَ التَّامَّةَ لَا فِي الصَّوْمِ وَ لَا فِي الصَّلَاةِ وَ لَكِنْ فِي الْكَفِّ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ.»[[6]](#footnote-6)**

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

## روایت هفتم:

روایت سی و یکم است.

**«وَ قَالَ ص: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَ هُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغِيبَةِ اجْتَنِبُوا الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ.»[[7]](#footnote-7)**

این روایت نیز ناظر به آیه است.

## روایت هشتم:

روایت چهل و سوم است.

**«الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الرَّوْضَةِ، عَنِ الْبَاقِرِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَقْبَلَ قَوْمٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا يَجِدُونَ لِأَنْفُسِهِمْ حَسَنَاتٍ فَيَقُولُونَ إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا فَعَلْتَ حَسَنَاتِنَا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَكَلَتْهَا الْغِيبَةُ إِنَّ الْغِيبَةَ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَلْفَاءَ.»[[8]](#footnote-8)**

## روایت نهم

روایت سوم باب 154 وسائل‌الشیعه است.

**«وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ رَجُلٍ لَا نَعْلَمُهُ إِلَّا يَحْيَى الْأَزْرَقَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ.»[[9]](#footnote-9)**

در این روایت ضمیر به «رجلاً» برمی‌گردد و اطلاق دارد. سند این روایت به شکلی قابل تصحیح است.

### جمع‌بندی

تنها روایت تام، روایت سوم باب 154 وسائل‌الشیعه است. چند روایت دیگر نیز دلالت تام داشت ولی سنداً ضعیف بود.

ممکن است کسی در تمام این موارد به انصرافی قائل بشود. «رجل» و «ناس» در این روایات منصرف به مسلم است. البته محقق اردبیلی احتمال شمول دادند. به خاطر ضعف اسناد و انصراف به مسلم، شمول را قائل نشده‌اند. ارتکازات نیز همین است.

### راه‌حل‌هایی برای کنار گذاشتن اطلاق

در نتیجه دو راه حل برای کنار گذاشتن این روایات وجود دارد:

الف) روایات ضعیف هستند. که این احتمال جواب دارد. روایت سوم باب 154 وسائل‌الشیعه قابل تصحیح است. تعدد نیز در حدی است که نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کرد.

ب) راه دوم این است که بگوییم انصراف دارد.

ج) سیره و ارتکاز شرعی وجود دارد که موجب می‌شود این اطلاق را تخصیص بزند.

ممکن است کسی وجه دوم و سوم را بپذیرد. البته باید بدانیم که قطعاً این‌ها شامل کفار حربی و غیر ذمی نمی‌شود. تنها چیزی که باقی می‌ماند، کافر ذمی و معاهد است. که ممکن است به خاطر سه احتمال مذکور، این اطلاق را قائل نشویم. در اینجا خیلی سخت است که اطلاق بپذیریم. نهایتاً احتیاط مستحب در اینجا قائل باشیم. بعید نیست که بگوییم در مقام محاوره، بعید نیست که همه به مسلم تعبیر بشوند. البته همان‌طور که بیان کردیم، اگر ما انصراف را نپذیرفتیم باید احتیاط مستحب یا در سخت‌گیرانه‌ترین حالت،‌احتیاط واجب کنیم البته فقط مشمول کافر ذمی و معاهد می‌شود.

#### نکته

قطعاً کفر حربی از این‌ها بیرون است، حتی اگر عموم و خصوص من وجه باشد، باز به خاطر اولویت شمول پیدا نمی‌کنند.

نکته‌ی دیگر این است که در تمام روایات، اگر هم بگوییم از کافر انصراف دارد، از مسلم انصراف ندارد. در نتیجه شمول این طایفه قطعاً مسلم را می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

روایات در فرق مختلف مسلمین شمول دارد. در مسلم، احتیاط واجب وجود دارد. در کافر غیر حربی نیز احتیاط مستحب است.

1. **مستدرک الوسائل، ج 9،‌ص 113** [↑](#footnote-ref-1)
2. **همان،‌ ص 115** [↑](#footnote-ref-2)
3. **همان، ص 116 و 177.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **همان، ص 119.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **همان، ص 120.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **همان،‌ص 120.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **همان، ص 121.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **همان، ص 124.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **وسائل‌الشیعه، ج 12، ص 289** [↑](#footnote-ref-9)